

گفت و گو با بازیگران و دیگر عوامل نمایش بینوایان



- ۱- خودتان را معرفی کنید و سوابق علمی و هنری خود را بیان کنید؟
- ۲- چگونه برای همکاری در نمایش بینوایان انتخاب شدید و چه نقشی را بازی می کنید؟
- ۳- نحوه برخورد و روش کارگردان چگونه است؟
- ۴- اجرای بینوایان چه تاثیری در تئاتر کشور دارد؟
- ۵- وضعیت تئاتر کنونی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟
- ۶- نظر شما درباره فرهنگسرای بهمن و فعالیت های این مجموعه در جنوب تهران چیست؟

مسعود یوسفی

■ مسعود یوسفی هستم. همکاری با گروه کودک شبکه دو و گروه تلویزیونی شاهد و کارهای نمایشی برای کودکان داشته ام.

■ برای بازی در بینوایان توسط آقای یگانه به کارگردان معرفی شدم و کار خود را در این مجموعه شروع کردم.

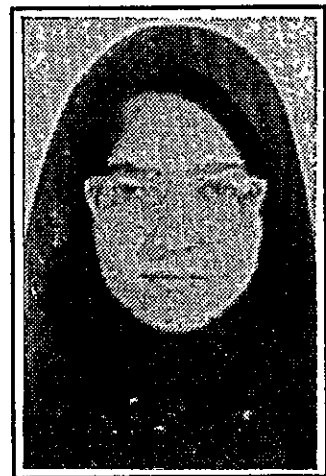
■ بسیار عالی و واقعاً کارگردانی نمونه و فوق العاده است. روش کار ایشان نسبت به سایر کارگردانهای نمایشی، بسیار عالی و تحسین برانگیز است.

■ به نظر بنده در کشوری که می توانم بدون پرده بگویم تئاتر رنگ خردش را از دست داده و از طرف مسؤولان اهمیت به این هنر داده نمی شود، این نمایش می تواند توجه بیشتر به تئاتر را به همراه داشته باشد.

■ وضعیت کنونی تئاتر ایران بسیار بدیبهی است و در کشوری که قدمت دیرینه در هنرهای نمایشی دارد واقعاً تاسف بار است که در سال یک یا دو تئاتر ضعیف به روی صحنه می رود.

■ فرهنگسرای بهمن اما نقش بسیار پربراری را در این نقطه از تهران - چه از نظر فرهنگی و چه از نظر مذهبی - ایفا می کند.

آناهیتا فولادوند



■ آناهیتا فولادوند هستم. دارای مدرک دیپلم و اولین کاری است که تجربه می کنم.

■ توسط پدرم معرفی شدم.

■ نقش مردم شهر را بازی می کنم و حدود یک ماه و نیم است که به این کار مشغول شده ام.

■ به دلیل نداشتن تخصص در این رشته و فقط از روی احساس شخصی و برداشتهایی که خود داشتم و رفتار ایشان را کاملاً منطقی و درست می دانم.

■ می تواند گام ارزنده ای در این جهت بردارد و تئاتر را در مسیر درست به مرتبه های بالاتر سوق دهد.

■ نظر خاصی در این مورد ندارم.

■ با توجه به اینکه در منطقه ای پرجمعیت واقع شده، در فرهنگ جامعه بسیار موثر است و می تواند از نظر فرهنگ اجتماعی این منطقه را به مرحله صعود برساند.

زهرا قدرتی



■ قدرتی هستم. محصل سوم دبیرستان و اولین تجربه کاری من است.

■ از ۷۲ سال و توسط یکی از آشنایان به گروه معرفی شدم نقش مردم شهر را ایفا می کنم.

■ در طول یکسالگی که با این کارگردان تمرین داشتم برخورد او را منطقی و صحیح می دانم. زیرا نظم دادن یک گروه ۶۰ نفره، مهارت خاصی را می طلبد.

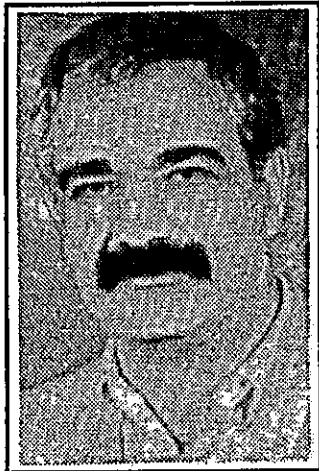
■ این تئاتر کمک می کند تا تئاتر کشور ما که روح آن از بین رفته، دوباره زنده شود و این تحول بسیار وسیعی در تئاتر کشور ما است و همچنین گام موثری در جهت بهبود تئاتر و پایه و اساس تئاترهای دیگر است.

■ در تئاتر کشور ما سیر نزولی دارد.

■ فرهنگسرای بهمن با ارائه برنامه ها و فعالیت هایش در جهت استقبال مردم قدم برمی دارد و اوقات فراقت جوانان را پر می کند.

عزیزا... هنرآموز

■ عزیزا... هنرآموز متولد ۱۳۲۲ شهر کرمان متأهل. کارهای هنری ام عبارتند از نمایکنامه های صحنه ای سلطان مار، سنگ و سرنا، آسید کافلم، در اعماق، سه خواهر، نمائی په ننک، نمایشنامه های



تلویزیونی، کربه سیاه، سنگ و سرنا، آسید کافلم، کتو، فیلم های سینمایی، جنگ اطهر، مدرسه پیر مردها، از چشمه سرخ، ترانزیت، بوی پیزاهن یوسف و سفر به جزایه سریالهای تلویزیونی سمک عیار، بار دیگتر زندگی، چنگی برای کودکان، پدر، گرگها، خانه بخت، جاده، امام علی، بی بی یون و شیخ مفید.

■ بعد از اطلاع توسط یکی از دوستان، به گروه مراجعه و توسط آقای غریب پور سرپرست و کارگردان گروه بینوایان انتخاب شدم.

■ آقای غریب پور دارای روش صحیح و برخورد منطقی با بازیگران است. توانایی اداره حدود ۶۰ نفر هنرپیشه حرفه ای و غیر حرفه ای را دارد. بهر صورت روش و برخورد ایشان مورد قبول شخص من بوده و هست. در صورتی که بعد از اجرای بینوایان کار دیگری را آقای غریب پور شروع کنند شخصاً علاقه مند به ادامه همکاری با ایشان هستم، اگر ایشان مرا انتخاب نمایند، حتما در کار بعدی ایشان هم حضور خزام داشت.

■ از لحاظ تدارک و شیوه قرارداد، مسلماً تا بحال بی سابقه بوده و مسلماً تاثیر مثبت برای کارهای دیگر توسط دیگران خواهد داشت.

■ از لحاظ اجرا، بهتر است بعد از روی صحنه رفتن نمایش و برخورد تماشاگران اظهار نظر شود.

■ در حد من نیست که ارزیاب این مقوله باشم، اما بعنوان بازیگری که علاقمند به تئاتر هستم، وضعیت مطلوبی ندارد و روز به روز هم رو به زوال می رود.

■ امیدوارم چنین مجموعه هایی بیشتر شود و مردم هم شناخت کامل از ایجاد چنین مجموعه هایی پیدا کنند. در آن صورت بطور کامل از این مجموعه استفاده خواهد شد.

نصرت ا... زمانپور

■ نصرت ا... زمانپور متولد ۱۳۱۹ محل تولد خرم آباد. کار تئاتر را در سال ۱۳۲۵ با آقای مصطفی اسکویی شروع کردم، سال ۱۳۲۷ وارد دانشگاه تهران رشته تئاتر گرایش بازیگری و کارگردانی شدم، و سال ۱۳۵۱ در این رشته لیسانس گرفتم.

سال ۱۳۲۸ در نمایشنامه رستم و شهباب به کارگردانی آقای اسکویی در آمفی تئاتر دانشکده هنرهای زیبا برای اولین بار کار بازیگری را تجربه کردم.

از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱ که در دانشگاه به تحصیل مشغول بودم؛ به اناره برنامه های تئاتر رستم و در آنجا به گروه هنر ملی به سرپرستی آقای عباس جوانمرد به کار بازیگری مشغول شدم و کارهای زیر را انجام دادم: فرقه ها و ماشین نویس ها، مردیکه مرده بود و خود نمیدانست، آی با کلاه و آی بی کلاه و سرگذشت مرد خسیس. سال ۱۳۵۱ با اخذ لیسانس تئاتر برای اندوختن تجربه های بیشتر عملی؛ بمنوان کارشناس تئاتر در اداره برنامه های تئاتر استخدام و به استان مرکزی، شهرستان کاشان منتقل شدم و کار بازیگری و کارگردانی را در آن شهرستان شروع و نمایشنامه های زیادی را کارگردانی و بازی کردم: آسید کافلم - تشنه انتقام یا قلم فرسایی - چهار صندوق - نسکی در خرمین جا - لتو اجرا در شهرستانهای کاشان - سبزوار - اسفراین - بجنورد و قوچان - (کپز) اجرا: کاشان - رشت - سراپ - اردبیل - زنجان

در نیمه راه صحنه - کلک مرغابی - افعی طلائی و درخت ولی دیگری - عمو زنجیر باف - لحظه های ابوذر - سلطان مبدل اجرا: کاشان و تهران سالن تئاتر شهر - مندیل خیال اجرا: کاشان - تهران تئاتر چهارسو - سال ۱۳۶۹ به تهران منتقل شدم و... اسبطور عشق - اینک برهوت و عبدالصالح را بازی کردم. در حال حاضر مشغول بازی در بینوایان بکارگردانی آقای بهروز غریب پور هستم.

■ نخستین کسی که آقای خسرو شجاع زاده پیشنهاد کرد که برای بازی به گروه بینوایان به پیوندم. ولی چون برای تست کریم فیلم یحیی کاندیدا شده بودم، نتیجتاً هفته بعد هشتم آبان ماه به گروه پیوستم. نقش محوری ندارم ولی چون کار تئاتر می کنم و احساس می کنم که زنده ام از این جهت بخود میبالم و خوشحال هستم و در نقش های کوچک اما متفاوت بازی می کنم.

■ نحوه برخورد آقای غریب پور، روش ویژه و خاص خود اوست که در مجموعه ای به این بزرگی و پراممیت روش نسبتاً خوبی است. ولی در اکثر موارد بویژه در انتخاب بازیگر در نقش مورد نظر و نحوه تمرین و کاراکتر یابی بازیگر زیاد موافق نیستم و تصمیم گیری و انتخاب ایشان خیلی سریع و آتی است، و این خود ایراد بزرگی است که جای بحث زیاد دارد و در این مقوله نمی گنجد. امروزه و از دیر باز تئاتر در سطح جهان رفته رفته خاص خود را باز یافته و مورد نیاز عموم طبقات است و هنر زندگی کردن و نفس کشیدن

در آن نهفته و مستتر است. لذا، وقتی نوشته ای برای این هنر زنده و جاویدان بعنوان اجرای نمایش در نظر گرفته میشود، خصوصاً نوشته ای از نویسنده و فیلسوفی چون ویکتور هوگو و به ویژه بینوایان او، مسلماً هر شخص عادی و معمولی جرأت و جسارت، فکر کردن به اینکه روزی بینوایان و ویکتور هوگو را به صورت نمایشنامه تبدیل و تدوین نماید در خود نخواهد دید، مگر اینکه تمامی اندیشه ها و افکار و خواست های ویکتور هوگو را و جهان بینی او را دریافته باشد و به آن ایمان کامل و وافر داشته باشد که به این عمل مهم، آنهم در این دوره و انفسا دست بزند. مطمئناً آقای غریب پور این جریده فکری و عملی را در خود دیده که این چنین جسور و مطمئن اقدام به کار بازنویسی و کارگردانی و تمرین و اجرای نمایشنامه بینوایان کرده است. باشد که در این امر مهم سربلند و سرافراز گردد و مورد مطلوب همه مردم بویژه دست اندرکاران هنر تئاتر بشود. آمین.

■ بطور قطع و یقین اجرای خوبی از بینوایان در کالبد تیمه جان و محتضر تئاتر ایران دم عیسی خواهد و ماشین فرسوده و گیر باج شده تئاتر را روغن کاری کرده و سراپ های اطمینان آنرا و چرخ های زنگ آنرا بگردش در خواهد آورد که نه تنها در سطح کشور بلکه در سطح کل جهان تئاتر این کشور بار دیگر مطرح و نقل مجالس و مطبوعات کشور و جهان خواهد شد، امید است که چنین شود. چرا که در بازیگر در چارده و از نفس مانده نیز دم گرم عیسی دمیده خواهد و این خود تحول بزرگی است.

■ چیزی برای گفتن ندارم...!!
■ قدر مسلم در این مکان هنری، فرهنگی که قبلاً جایگاه احشام و بوی تعفن آن کیلومترها مشام ساکنین محله را آزار میداده و اکنون به کانونی فرهنگی، ادبی و هنری تبدیل شده و خانواده برای تفریح با فراغ بال و آسایش کامل و با سلامت زندگی می گذرانند محلی مطبوع و شیرین و قابل بحث است.

مسعود رحمانی

■ مسعود رحمانی، تحصیلات: دیپلم طبیعی. از سال ۱۳۲۷ زمانی که دانشجوی زبان دانشگاه تهران بودم با نمایش قصه غصه هاشدند بکارگردانی فرهودی وارد دنیای تئاتر شدم و همچنین یک دوره یکساله بازیگری در انجمن ایران و آمریکای سابق (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعلی) بکارگردانی شهروز خردمند را گذراندم از حدود ۲۵ تئاتری که کار کرده ام می توان از: «داستان ضحاک» بکارگردانی سعید پور صمیمی، «آسایشگاه» بکارگردانی بهمن فرسی، «شویک در جنگ دوم جهانی» و «ماه پنهانست» بکارگردانی فرهاد مجد آبادی، «هوراتی ها و کوراتی ها» بکارگردانی حمید مظفری، «آنتیکون» و «ویتنام» بکارگردانی جمشید ملک پور، «مرگ در پائیز» بکارگردانی محمد بنائی، «ریشه ها عمیقند» بکارگردانی حسن مشکلاتی و نمایشنامه های «الموت» و «عنکبوت» و «پرومته در زنجیر» و «آتشپ که تورو زندانی بود» بکارگردانی

مجید جعفری نام برد. سریال ها و تئاترهای تلویزیونی: سینما تئاتر ۶۰ و ۶۱ - کوچک جنگلی - ایستادن در باد - سیم حوت - مداد سبز - آخرین ایستگاه و خبرنگار و... فیلم های سینمایی: بحران - شنا در زمستان - حمله خرچنگ ها - شب حادثه - شناسائی - هفت گذرگاه

■ من حدود یک ماه و نیم است که در این نمایش کارم را شروع کرده ام. فعلاً برای چند نقش که تغییر و تحولاتی که در لیست بازیگران بوجود آمده تست میشوم از جمله نقش پزشک - زیسکه ولی کلاً در تئاتر برای من نقش مهم نیست. فقط میخواهم در این کار سهمی مثبت داشته باشم.

■ برای بنده که در گذشته با آقایان جمشید ملک پور و مجید جعفری کار کرده ام و اصولاً با این روش کار عادت کرده ام. بنابراین کار با آقای بهروز غریب پور که کارگردانی باتجربه و دقیق است بسیار جذاب میباشد.

■ اجرای بینوایان یک حرکت مثبت در جهت اعتلای تئاتر کشور است هم از جهت متن که یکی از شاهکارهای ادبیات جهان از نویسنده بزرگ ویکتور هوگو میباشد و هم از جهت اجرایی با توجه به گروه حرفه ای بازیگران و دقت و وسواس آقای غریب پور.

■ وضعیت تئاتر کشور بعد از انقلاب همیشه حالت صعود و نزول داشته و اکنون مدتی است تئاتر کشور در حد حرفه ای رکود ممتدی را پشت سر گذاشته که انشاءالله در آینده با بوجود آمدن تئاتر حرفه ای به معنی واقعی شاهد پیشرفت و اعتلای تئاتر کشور باشیم.

تأسیس این مرکز بخاطر موقعیت مکانی و ارتباط با جوانان جنوب تهران که در گذشته همیشه در محرومیت فرهنگی و آموزشی بوده اند بسیار مثبت و در جهت ارتقاء دانش و فرهنگ از حساسیت خاص برخوردار است.

محمدرضا شفیق زاده



■ محمدرضا شفیق زاده، از سال ۱۳۲۵ یعنی در یازده سالگی، بازیگری را با پیش پرده ای تحت نظر پدر ارجمندم شادروان میرزا جواد شفیق زاده که از هنرمندان بنام آذربایجان بودند، در مدرسه متوجهی تبریز شروع کردم و پس از بازی در چندین نمایشنامه



آقای خورشیدی همکاری می‌کنند به این گروه معرفی شدم. و تقریباً در کلیه صحنه های جمعیتی و گروهی از قبیل دادگاه، شهرداری و... فعالیت می‌کنم.

■ من با اینکه تجربه چندانی ندارم (البته هنوز در حدی نیستم که در مورد استادانی چون آقای غریب پور نظری بدهم) ولی متوجه تفاوت شیوه کار آقای غریب پور در رابطه با کارگردانی و سایر خصلت های اخلاقی صحنه و پشت صحنه شده ام، از جمله مواردی که در گروه ما بارز و چشمگیر نظم و هماهنگی یکپارچه گروه می‌باشد که حاصل زحمات ایشان است که فکر می‌کنم این خود حاصل تجارب چند ساله استادم باشد.

■ یقیناً اثرات زیادی که این اجرا به جا خواهد گذاشت چیزی نیست که بتوان در چند جمله یا چند خط بیان کرد و مسلماً هر کسی به فراخور ذهنیات و احساسات خود می‌تواند مطلبی از این اجرا دریافت کند، یعنی به جرأت می‌توانم بگویم این نمایش مثل متن کتاب در هر زمینه حرفی دارد و برای هر قشری مفید خواهد بود و حداقل اثر آن بزور توانائی تئاتر ایران و ما ایرانیان در قیاس با تئاتر کشورهای پیشرفته است و دفاعی ملی به حساب می‌آید و چون کاری عظیم و بزرگ و در عین حال جدید است می‌تواند انگیزه ای برای سایر گروهها باشد.

■ به نظر من فعالیت های هنری در خصوص تئاتر حرفه ای در ایران ما خیلی کم به چشم می‌خورد و متأسفانه به دلایلی دوستاران و حامیان تئاتر هم به همان نسبت کمتر از هنرهای دیگر مشهود است.

■ به عنوان یک مجموعه هنری که می‌تواند مجموعه ای پایدار و جاودانه برای هنر ایران باشد فعالیت های چشمگیر و قابل تحسینی داشته و حتماً خواهد داشت و وسعت دادن به این تلاش ها و فعالیت ها نقطه عطفی در برابری مناطق تهران خواهد بود، و این مسئله باعث می‌شود ازدحام مردم در رابطه با حرکت های هنری از شمال شهر به جنوب تغییر جهت پیدا کند و تفاوت طبقاتی تا حد زیادی برطرف بشود.

فریدون قدیمی

فریدون قدیمی هستم دانشجوی سال آخر ادبیات نمایشی دانشکده هنرهای زیبا، قبل از دانشکده بیشتر

که تقریباً از اولین تجربه ام ۴ سال می‌گذرد در حال حاضر نیز در پروژه بینوایان بازی می‌کنم.

■ توسط یکی از دوستانم به این گروه معرفی و توسط کارگردان انتخاب شدم، به طور کلی جزه شهروندان ایفای نقشهای متفاوتی را می‌کنم و به طور جزئی نقش ش هرودت - دختر معتمد شهر و فرشته را بازی می‌کنم و حدود یک سال است که با این گروه همکاری دارم.

■ قبل از این با کارگردانهای مختلفی کار کرده بودم ولی پس از عضویت در گروه بینوایان به تدریج متوجه تفاوت های اساسی بین آقای غریب پور و سایر کارگردانها شدم. از شاخص های روش ایشان، اهمیت بسیار قائل شدن برای زیبایی کار، نظم بسیار قوی و انضباط فوق العاده جدی و نهایتاً وجدان کاری ایشان می‌باشد. به جرأت می‌توانم بگویم که اگر کارگردانهای تئاترها از روش ایشان در موارد فوق پیروی کنند، آینده تئاتری کشورمان بسیار مهمتر از این خواهد شد ایشان حتی از یک حرکت کوچک خلاف نظم و قانون نیز چشم پوشی نمی‌کنند و این انضباط قوی متضمن موفقیت در کلیه مسائل می‌باشد از جمله تئاتر ایران. و در کل می‌توانم بگویم اولین تئاتری است که به این شدت به آن اهمیت داده می‌شود.

■ مطمئن هستم که با اجرای صددرصد موفق این کار است بسیاری از استعدادهای نهفته و پنهان تئاتر کشور به خود می‌آیند و به عبارتی بیدار می‌شوند این اجرا مسلماً جرقه ای خواهد بود برای آتش خاموش مانده تئاتر ایران که نهایتاً آن را شعله ور خواهد ساخت و حداقل در تاریخ تئاتر ایران به عنوان یک خاطره زیبا و به یاد ماندنی برجای خواهد ماند.

■ مثل جوانی است که زودتر از موعد پیرو زمینگیر شده است، مثل آتشی است که خاموش مانده و مثل آرزویی است که به فراموشی سپرده شده است.

■ در منطقه جنوب کشور و متأسفانه بیشتر فاقد فرهنگ این منطقه وجود چنین فرهنگ رایی براسستی معنا می‌یابد. فرهنگ رایی که مردم عرق در مشکلات مادی این منطقه را کمی به یاد فرهنگ می‌اندازد و با مشغول کردن فکر آنها به یادشان می‌آورد که فعالیت های سالم و سازنده نیز می‌تواند وجود داشته باشد. و در کل برای مردم محروم این منطقه فضایی است بسیار پهل پذیر سالم و بی نظیر و خدمتی است شایان توجه و تقدیر.

اشرف پناهی

■ اشرف پناهی - دانشجوی مترجمی زبان فرانسه در دوران کودکی در شهرستان به کارگردانی برادرم فعالیت کوچکی داشته ام، ولی به مدت ۲ سال است که کار جدی تئاتر را به صورت تجربی شروع کرده ام. ابتدا با دانشجویان دانشکده رستم هنر و سپس با آقای سیروس کهنوری نژاد و بعد با یکی از استادان دانشکده نمایشی فرانسوی و بعد هم به گروه بینوایان وارد شدم و تا حال مشغول همکاری با این گروهم.

■ توسط یک از دوستان که در طراحی صحنه با

در سال ۱۳۴۷ وارد رشته تئاتر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شدم و در مدت چهار سال تحصیل در نمایشنامه آخرین نوار کراپ بسه کارگردانی آقای هوشنگ رحیمی (غزله)، و یک فیلم سینمایی به کارگردانی آقای حسن قلی زاده و یک سریال تلویزیونی به کارگردانی پرویز حیدری، شرکت داشته ام. پس از اتمام تحصیل و انجام خدمت وظیفه در سال ۱۳۵۳ بعنوان کارشناس تئاتر عازم بوشهر شدم و به مدد بچه های بوشهر در سال ۱۳۵۴ در جشن هنر شیراز برنامه اجرا کردیم که این اولین برنامه ای بود که از شهرستانها در جشن هنر شرکت داده می‌شد. و نیز در اواخر همانسال در جشنواره تئاتر شهرستانها در شیراز کارگردان برنامه دیگری بودم. در نیمه اول سال ۱۳۵۵ از باب سیر آفاق و انفس، عازم کشورهای شرق شدم. در همین سفر بود که به دلیل مشخصی از هنر و بخصوص تئاتر کناره گرفتم. پس از بازگشت از سفر شرق و انقلاب و اشتغالات گوناگون و اختیار تا مهل و شرکت در جریدهای غرب و جنوب تا پیشتهادهای غریب پور این کناره گیری ادامه داشت و در این مدت ۲۰ سال در چندین تعزیه فقط بحسب اعتقاد و مجوز سادات و اشارت حق نقش هائی را ایفا نموده ام.

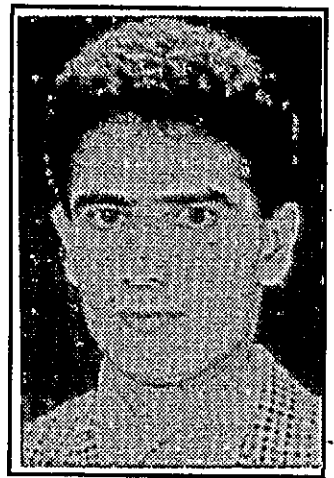
■ در اواخر مهر ماه ۷۴ به پیشنهاد کارگردان برنامه، علیرغم کناره گیری بیست ساله از مقوله تئاتر به حسب رفاقت با شخص کارگردان و تجربه ای نوین در زندگی هنری ام لیبیک گفتم و نقشهای زیر را بازی می‌کنم: ۱- ۲- شهروند (صحنه اول و صحنه آتش سوزی) ۳- پایا فوشلروان - ۴- یکی از معتمدین شهر ۵- شینله یر - ۶- یکی از کاریجی ای کافه تئاتر ۷- یکی از پاره پوشان ۸- یکی از نیروهای دولتی ۹- جسد. و مدت یکسال است که در خدمت گروه هستم.

■ برخورد کارگردان علیرغم دید آگاهانه ایشان نسبت به کار، در اغلب موارد تنه و عصبی می‌باشد. و این مطلب به اشراف واقعی ایشان در تبیین حس و نقش و بازیگر لطمه می‌زند که امیدوارم به ترتیبی این موضوع حل و فصل شود و یک فضای خوب و سالم هنری را تدوام بخشد.

■ مسلماً در این معرکه و انفسای تئاتر تأثیرات سازنده خودش را خواهد داشت، همین قدر که این مجموعه در جنوب تهران قرار دارد جای بسی خوشوقتی است و اما از فعالیتهای آن اطلاع دقیقی ندارم که اظهار نظر بکنم.

شراره رخام

■ شراره رخام هستم، در حال حاضر دانشجوی رشته نمایش مقطع لیسانس در دانشکده جهاد دانشگاهی هستم و قبل از این در رشته های روانشناسی و مترجمی زبان روسی تحصیل کرده ام فعالیت هنری ام را پیش از این از تئاترهای دانشجویی آغاز کردم و در جشنواره های تئاتر و پروژه های دانشجویان دانشکده ام بازی نموده ام در دو سریال و بخشی از یک فیلم ۲۵ فیلمهای ۱۶ نیز بازی کرده ام



با سینمای جوان شهرستان رشت همکاری داشتیم در دوران دانشکده نیز در چند کار کلاسی و دو کار صحنه همکاری داشتیم.

■ توسط یکی از دوستان معرفی شدم و چندین نقش از جمله یوسوئه از همزمان ماریوس را بازی می‌کنم در ضمن مدت یک‌سال است که همراه گروه هستم.

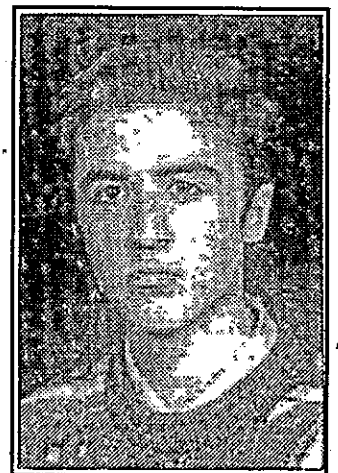
■ آقای غریب‌پور دارای نظم خاص است که مهمترین پارامتر کار ایشان است، ایشان بازیگر را روی صحنه آزاد می‌گذارد تا خود به نقش برسند و تنها با راهنمایی به حذف موارد اضافه می‌پردازند.

■ بی‌شک اجرا بینوایان اثرات بزرگی خواهد داشت، بدون اغراق اجرای بینوایان مصادف خواهد بود، با ظهور تئاتر نوین ایران

■ تئاتر در زمانه فعلی سیر قهقراپی را طی می‌کند و زوال تئاتر نشانگر زوال جامعه است این دو سرراشیدی سقوط همواره با هم گام برمی‌دارند.

■ فرهنگسرای بهمن وظیفه سنگینی را بر عهده دارد این مجموعه در جنوب تهران تنها مکانی است که مشتاقان هنر را دور هم جمع کرده است و در مجموع سهم مهمی را در اعتلای فرهنگ داشته است.

محمد رضا حسین زاده



■ محمد رضا حسین زاده هستم دانش آموز سال آخر دبیرستان - بازیگری را با آموزش در کلاسهای هنری میراث فرهنگی (کاخ سعدآباد) از سال ۱۳۷۴ آغاز کردم و نمایش بینوایان به عنوان اولین فعالیت هنری من در زمینه بازیگری است.

■ برای بازی در این نمایش بونسيله مریبی

کلاسهای بازیگری ام معرفی شدم و آقای غریب‌پور نیز مرا پذیرفت و من از اواخر ابان ۷۴ عضو گروه بینوایان شدم. نقشی که من بازی می‌کنم، نقشهای کوچکی است که به آمیانس نمایش کمک می‌کند و از دید خودم کار مهم و پر مسئولیت است.

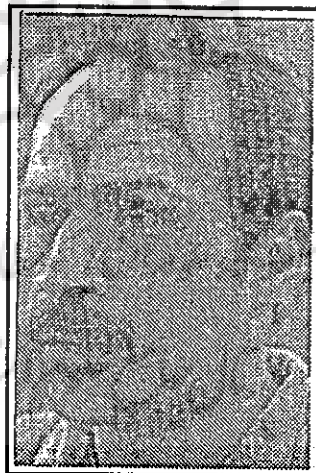
■ نحوه برخورد آقای غریب‌پور با تمام بازیگران کاملا دوستانه است، اما در کار بسیار جدی است و مهمترین عامل برای او نظم است. و چون اولین کارگردانی است که من روبرو شده‌ام نمی‌توانم مقایسه‌ای داشته باشم اما به هر حال فکر می‌کنم که روش آقای غریب‌پور به لحاظ وجود بازیگران زیاد و سنگینی کار باید موفق باشد.

■ با توجه به وضع کنونی تئاتر، من فکر می‌کنم که بینوایان یک قدم بسیار بزرگی برای پشت سر گذاشتن چیزهایی است که تئاتر کشورهای دیگر خیلی وقت پیش پشت سر گذاشته‌اند.

■ من به عنوان یک هنرجوی تئاتر دلم می‌خواست که تئاتر زنده تری در کشورمان داشتیم ولی متأسفانه در باطن کسی به تئاتر اهمیت نمی‌دهد.

■ فرهنگسرای بهمن به عنوان یک مجموعه فرهنگی هنری، با وجود واقع بودن در منطقه جنوب تهران ب خوبی توانسته جای خود را در میان مردم جنوب و حتی بقیه مردم باز کند. فرهنگسرای بهمن با تهیه و تنظیم برنامه‌های متنوع چون نمایش بینوایان سعی در بالا بردن سطح فرهنگی هنری جامعه خود دارد.

محمد اسدی



■ محمد اسدی. کارهای هنری را از سال ۵۵ تئاترهای خیابانی آغاز کردم در سال ۵۶ با دوبله در سینما آشنا شدم و سال ۵۷ کار با دوربین هشت میلیمتری را آغاز کردم که حاصلش دو فیلم کوتاه بود و از سال ۱۳۵۹ اولین تئاتر حرفه‌ایم را با نمایش ماموریت حساس و آن زمان فرا خواهد رسید آغاز کردم و دهها نمایش دیگر که حاصلش سه دیپلم بهترین بازیگری در سه جشنواره مختلف، و تعدادی تقدیرنامه و لوح زرین و تعداد ۵۷ برنامه و سریال تلویزیونی و اینک بینوایان.

■ وقتی شنیدم نمایش بینوایان اولین بار در ایران قرار است توسط استاد عزیزم آقای بهروز غریب‌پور کار شود آمدم و انتخاب شدم و در حال حاضر ایفاگر

چند نقش کوتاه هستم و در عین حال نقش بیک سنگر را ایفا می‌کنم.

■ بسیار حرفه‌ای و آگاه به صحنه نمایش

■ به اعتقاد من این نوع کارها انقلابی را در صحنه‌ها بوجود می‌آورد و تحولی در نگاه دست‌اندرکاران

■ رو به انحلال و نابودی

■ بسیار عالی و به امید بر آنکه شهرداری در تمامی شهرهای کوچک و بزرگ و در نقطه به نقطه شهرها و فرهنگسراهایی برای پیشبرد اهداف مقدس اسلامی هنری، فرهنگی، علمی و ورزشی بنا نماید.

مینا خلقی

■ مینا خلقی هستم، دانشجوی تئاتر دانشگاه آزاد اسلامی و یک دوره بازیگری میراث فرهنگی را طی کرده‌ام و تئاتر بینوایان اولین تجربه‌ام می‌باشد.

■ توسط استاد بازیگری‌ام در میراث فرهنگی معرفی شدم و نقش ویژه‌ای ندارم. به طور کلی بیشتر گروه و حتی شخصیت‌های اصلی نقش مردم شهر و شخصیت‌های کناری را بازی می‌کنند و همه بازیگران فرعی گرداننده نمایش هستیم و کار را کامل و طبیعی می‌کنیم و فعالیت‌ام را در گروه از ۱۴ مهرماه ۷۵ آغاز کردم.

■ با توجه به اینکه بینوایان اولین تجربه‌ام می‌باشد از برخورد صحیح و اصولی یک کارگردان اطلاعی ندارم اما تا آنجا که با گروه همکاری داشته‌ام، متوجه شدم که آقای غریب‌پور به نظم و انضباط و زیبایی کار اهمیت بسزایی می‌دهند و همچنین با بازیگران رفتار شایانی دارند و سعی دارند در نهایت کار بسیار عالی تمام شوند.

■ این مسئله به استقبال مردم بستگی دارد. اگر از تئاتر بینوایان استقبال شود و تبلیغات نیز انجام شود مطمئناً تئاتر ایران احیا می‌شود.

■ تئاتر ایران نیاز به پشتوانه دارد و باید مسئولین و همچنین مردم از آن حمایت کنند با تبلیغات وسیع شود و مردم را به خصوص کودکان را بیشتر با تئاتر آشنا کنند و خوشبختانه کارکنان مجموعه بسیار دوستانه با ما برخورد می‌کنند و رفتار شایسته و منطقی با گروه بینوایان دارند و به خاطر همکاری‌ها و کمک‌های آنها جدا باید قدر دانی کرد. از لحاظ فعالیت‌های فرهنگسرا واقعا مایه مسرت است که برنامه‌هایی در این مجموعه اجرا می‌شود که اصلاً باور نکردنی است که در یک محله در جنوب تهران چنین برنامه‌هایی اجرا می‌شود از جمله جلسه‌ها و مجالسی راجع به شعر نوجوان و شعر معاصر و دیگر برنامه‌های جالب و متنوع که جوانها از آنها استفاده می‌کنند.

نسرین امیلی

■ نسرین امیلی دانشجوی کارگردانی

۳ سال در شهرستان مشغول بازیگری بودم و در تهران با آقای زینال زاده در ایلیات همکاری داشتم و دومین کار تئاتری که به صورت حرفه‌ای بوده



بینوایان است که در خدمت آقای غریب پور هشتم کار تلویزیونی سریال در پناه تو با آقای لبخنده و هفتمین سفر آقای شالچی همکاری داشتم.

توسط یکی از همکلاسه‌های معرفی شدم و بعد با تأیید آقای غریب پور مشغول شدم و در نقش آزما و فرشته بازی می‌کنم.

نحوه برخورد آقای غریب پور خاص خودش می‌باشد نظم خاصی ندارد که در آن درخشش زیادی دارد در کار هنرمند آزادی می‌گذارد که به خلاقیت‌هایش برسد و در انتها با پیدایش هنرپیشه را به آن نقش نزدیک می‌کنند من خیلی راحت هستم و خیلی سریع با این نحوه انس گرفتم.

فقط امیدوارم نقطه عطفی برای تئاتر کشورمان باشد

هر سال، دریغ از پارسال

فرهنگسرای بهمین می‌تواند با فعالیت‌های وسیع جنوب تهران را از نظر فرهنگی تأمین کند مردم این قسمت را بیشتر با فرهنگ و ورزش و دیگر زمینه‌ها آشنا سازد، جنوب تهران که جمعیت زیادی را در خود جای ندهد است.

الهام خادمی



الهام خادمی هستم. دانشجوی نمایش دانشگاه آزاد اسلامی

فعالیت هنری خود را با تئاتر دانشجویی و شروع کردم. و با دانشجویان دانشکده سینما تئاتر دانشگاه هنر فعالیت داشتم. و نزدیک به یک سال هم هست که در پروژه بینوایان به کارگردانی آقای بهروز غریب پور افتخار حضور دارم.

توسط یکی از دوستانم معرفی شدم و پس از حضور در گروه توسط کارگردان انتخاب شدم و در این نمایش نقش فرعی دارم که در تمام صحنه‌ها این نقش‌های فرعی را سعی کرده‌ام بصورت شخصیتی متفاوت با صحنه قبلی ایفا کنم.

بنظر من یکی از شاخص‌ترین برخورد کارگردان بینوایان آقای غریب پور این است که به نیروی جوان اهمیت بسیاری می‌دهند و جوانان را به روی آوردن به این هنر و خلق آثار هنری تشویق می‌شوند.

با توجه به اینکه می‌دانیم کشور ما در این برهه از زمان چیزی به عنوان واقعی تئاتر ندارد امیدوارم سبب جهشی در این زمینه باشد و تئاتر خفته ما را بیدار کند.

تئاتر ما مانند کوردکی می‌ماند که در مراحل ابتدایی رشد، رشدش متوقف شده و نیاز به پرورش دهنده و مادر دلسوزی دارد.

فرهنگسرای بهمین محیط فرهنگی ورزشی تفریحی مناسبی است که می‌تواند برآورنده خیلی از نیازهای جوانان خصوصاً پر کردن اوقات فراغت آنان باشد

حبیب روح پرور

حبیب روح پرور، فارغ‌التحصیل دانشگاه هنر در رشته صنایع و علاقه مند به سینما تئاتر و عکاسی که در این زمینه‌ها هر وقت فرصتی پیش آمد، فعالیت‌هایی داشته‌ام

از طریق یکی از دوستان بازی در صحنه‌های عمومی مثل آتش سوزی - جلوی شهرداری، شورشیان دادگاه و ...

و همچنین یکی از ژاندارم‌ها در صحنه زاغه تزار دیه را یعهده دارم.

آقای غریب پور پر خلاف بسیاری که مقوله هنر را جدی نمی‌گیرند و فکر می‌کنند هنر (سینما - تئاتر و ...) یک مقوله تفریحی است بطور جدی برخورد می‌کنند که بنظر من لازمه هر کار هنری است.

همه امیدوارند که چراغ‌های خاموش مانده سالن‌های تئاتر در چندین سال گذشته به وسیله این نقاشی دوباره روشن شود.

پنج سال در کنار تئاتر شهر در دانشگاه هنر تحصیل می‌کردم و هر روز برنامه‌های تئاتر شهر را می‌دیدم و در این پنج سال نمایش ندیدم.

هر چه که موجب پیشرفت فرهنگ و هنر و شناخت و آگاهی مردم بشود چه در شمال شهر و چه در جنوب پسندیده و خوب است و فرهنگسرای بهمین یک نمونه بسیار خوب و کامل است.

هوشنگ قوانلو

هوشنگ قوانلو متولد سال ۱۳۲۶ در تهران هستم

از نسل دانش‌آموخته‌گان هنر تئاتر در دانشگاه تهران می‌باشم. سال ۵۲ بدریافت درجه لیسانس در این رشته بابت ۵۲ استخدام دولت درآمدم.

در کارنامه‌ی فعالیت‌های هنری خود که از سال ۴۶-۲۷ مقارن با نخستین سال ورودم به دانشگاه تهران شروع می‌شود. اجرای نقش در نمایشنامه‌های نویسندگان ماندگار ایران و جهان، ابوالقاسم فردوسی، تدهیون، کورکی، چخوف، داستایوسکی، و ویکتور هوگو؛ بکارگردانی مصطفی اسکویی، پیترو پروک، مهین اسکویی، محمد کوثر، حمید سمندریان، بهروز غریب پور ا دارا هستم. تجربیاتم در عرصه‌ی سینما و تئاتر تلویزیونی بعد از انقلاب حضور در فیلم‌های این عزیزان می‌باشد. مسافران (بهرام بیضایی) - مجسمه (محمد ابراهیم وحیدزاده) - بخاطر همه چیز و جاده‌ی عشق (رجب محمدین) - خسوف (رسول ملاقلی پور) - مرد نامرئی (فریال بهزاد) - عاشق فقیر (حسینعلی لیستانی) - دت یعنی دختر و یک داستان واقعی (ابوالفضل جلیلی) و هفت سنگ (نواب صفوی) - در زمینه‌ی تئاتر تلویزیونی - «پنج‌جری» دورنما بکارگردانی هرمز هدایت «آهنگ پنهان» بکارگردانی ایرج کریمپور در قسمت از مجموعه‌ی «ناگفته‌ها» بکارگردانی شامسوزی و ایرج کریمی. در زمینه تئاتر کودکان یک تجربه با «رضا بابک» قبل از انقلاب بنام «کدو قلقلی و دیو» را داشته‌ام.

شانس شنیدن خبر شروع پروژه‌ی «بینوایان» توسط یکی از دوستان مرا راسی ملاقات با بهروز غریب پور نمود، من یادم که پیشینه‌ی دادم ایشان اجازه بدهند در کنارشان در کار شریک و همراه باشم، و ایشان هم پذیرفتند. من ایفاگر نقش مونهارناس همراه این پروژه ایشان و سایر عزیزان از نخستین روزهای تشکیل هسته‌ی اصلی این گروه بوده‌ام.

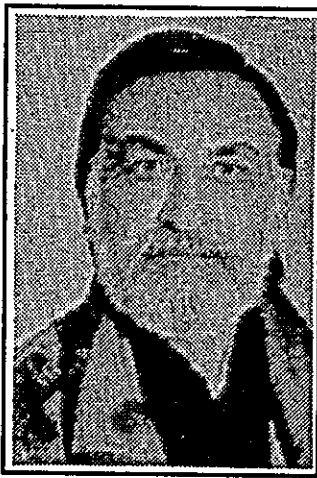
پرخورد آکادمیک و بسیار دقیق با نظم مینیاتوری با تحلیل جز به جز هر رکن از ارکان تشکیل دهنده و حیات بخش گوهر تئاتر از متن گرفته تا مدیریت اجرایی، از دکور، نور، لباس، آموزش صدا و بیان و حرکات موزون تا حضور خلاقه تمامی دست‌اندرکاران این پروژه در موقعیت‌های پرمسئولیت خود، بخصوص رعایت انضباط دقیق پشت صحنه ... برای تجلی هرچه بهتر دموکراسی دیدن و شنیدن تماشاگران این پروژه.

این پروژه اگر با تمام ضوابط مورد نظر کارگردان که ذهن ایشانرا به مدت چند سال به خود مشغول داشته به صحنه درآید، طرحی نو در اجرای آثار کلاسیک تاریخ تئاتر برای مشتاقان و تماشاگران هنر ناتر در ایران در خواهد افکند.

اگر بودجه - سالن - مدیریت اجرایی مقتدر - تشکیل گروهی همراه با توجه متولیان فرهنگی کشور بحرکت درآید و بزرگان این هنر موظف به اجرای سالیانه یک اثر برای مردم این مرز و بوم کردند حتی اگر تکرار اجرای بسیار موفق گذشته یک اثر باشد.

ارزیابی وضعیت تئاتر به کمال مطلوب نزدیک می‌شود، کمکی به غنای محتوای فرهنگی ساعات فراغت مردم نیز خواهد شد.

حضور فرهنگسرای بهمین در این منطقه از شهر



نمایش جناب آقای بهروز غریب پور قرار گرفت و پس از تست های پی در پی در روزهای متوالی بنده نهایتاً بعنوان بازیگری که بتواند در خدمت گروه نمایش قرار بگیرد پذیرفته شدم و از این موضوع خوشحالم. بنا به تشخیص کارگردان بنده ایفاگر نقشها و تیپهای متعددی در نمایش بینوایان هستم، می توانم بعنوان مثال از نقش قاضی دادگاه مامور همراه ژاور بازرس - کاری چی - افراد شورشی و ... نام ببرم. بنده مدت یکسال است که در این گروه هستم که از نظر زمانی مدت چهار ماه تمرین نمایش طول کشیده و الباقی اوقات به فراگیری موسیقی و نت خوانی که همواره ارتباط مستقیم با کار این نمایش داشته و مدت زمانی جهت اجرای تست کریم نمایش روی بازیگران گروه و تست لباس اعم از پرو و آمده شدن کلیه لباسهای افراد، ساخت و آماده سازی دکور منطبق با شرایط و فضای هر صحنه از نمایش و تهیه آکسوار و لوازم و فراگیری مواردی که طبعاً جهت آموزش و بیشتر آماده شدن افراد گروه اعمال گردیده است.

بدون اغراق روش کارگردان در این پروژه بسیار حساب شده و مقتدر است. برخورد آقای غریب پور با تک تک افراد گروه محترمانه بوده و همیشه چه در زمانی که کارگردانی می کردند و یا صحبتی توجیهی داشتند و یا کپی دوستانه با مامی زدند همواره شعاع نظم، نظم، نظم ورد زبان ایشان بود.

اجرای نمایش بینوایان راه گشای بر روی صحنه آورده شدن نمایشهای متعدد دیگری خواهد شد. برای اینکه ما بیشتر خودمان را باور کنیم و دیگر افراد این قافله پاور کنند که می توان کار نمایش را استمرار داد و دست روی دست گذاشت!

بنده معتقدم که اگر بخواهیم تئاتر کار کنیم، می توانیم، و دولت هم در حد امکان کمک می کند.

در خصوص ایجاد فرهنگسراهای متعدد در اقصی نقاط شهر تهران باید بگویم بطور کلی کامهای مثبتی بوده در راستای ارتقای سطح آگاهیهای فرهنگی، اجتماعی، هنری، تندرستی و بهتر سپری نمودن اوقات فراغت آحاد مردم هر منطقه به نحو شایسته و بایسته، ولی اگر بخواهم بالاخص در مورد ایجاد فرهنگسرای بهمن که ظاهراً اولین فرهنگسرای است که توسط شهرداری محترم تهران احداث گردیده نظری بدهم، این مجموعه فرهنگی بجای مکانی احداث شده که کم و بیش از تاریخچه آن مکان مورد بحث آگاهی داریم و آن جایی نیست مگر جایگاه قبلی کشتارگاه تهران که وجود آن در گذشته باعث آزار و اذیت اهالی مجاور و حتی مردم جنوب تهران بوده که الحمدالله پس از ایجاد فرهنگسرای بسیار مجهز و وسیع بهمن می رود تا یاد و خاطره بد کشتارگاه جای خود را به سرسبزی فضا و مکانی برای هر چه بارورتر شدن فرهنگ و ادب منطقه بدهد.

مرتضی یوسف دوست

مرتضی یوسف دوست مستم متولد ۱۳۲۳ چهارم (فارس) سال ۱۳۵۱ از دانشکده هنرهای دراماتیک فارغ التحصیل شدم مدت قریب به ۲۰ سال است که به

تهران و خدمات فرهنگی بسیار متنوعی که ارائه می دهد بسیار جالب و سودمند می باشد. امیدوارم این سالن بعنوان یک مرکز ارائه ی خدمات فرهنگی و تئاتری در زمینه ی اجرای آثار برتر نمایشنامه های ایرانی و غیر ایرانی مورد پشتیبانی مسئولیان فرهنگی کشور و علاقمندان به هنر تئاتر را داشته باشند.

وحید شیخ زاده

وحید شیخ زاده مستم کلاس دوم راهنمایی -

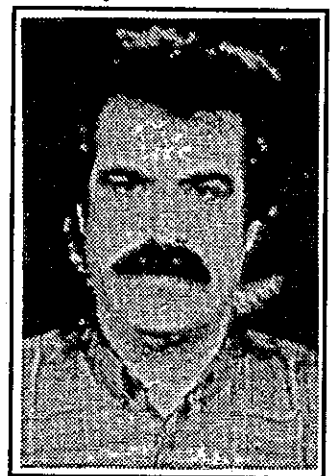
۱۲ ساله ام

و کارهای من: سال ۱۳۷۰ ایادانیهها ۱۳۷۱ - پادزهر - ۱۳۷۲ چاده (سریال) ۱۳۷۳ آرایش مرگ ۱۳۷۳ بی قرار ۱۳۷۳ شیخ مفید (سریال) ۱۳۷۳ شاخ کاو ۱۳۷۳ حاجی ۱۳۷۳ لحظه های آشنا (سریال) ۱۳۷۳ بازی تلخ (سریال) ۱۳۷۵ بینوایان توسط آقای جمشید گرگین دعوت شدم و زیر نظر آقای غریب پور به نقش «پتی گاوروش» مشغول شدم من برای اولین بار است که در تئاتر ایفای نقش می کنم و روشی که آقای غریب پور به عنوان کارگردان در نظر گرفته بسیار برای من ارزشمند و مثبت بوده است. بینوایان به عنوان یک اثر انسانی و یک کارگردان خلاق می تواند یک حس تازه ای به تئاتر ایران بدهد.

امیدوارم تئاتر کشور با نمایش بینوایان متحول گردد.

فرهنگسرای بهمن عاملی شد تا بچه های جنوب شهر فراغت خود را در خانه دوم خود بگذرانند.

محمد یگانه



بنده محمد یگانه هستم ۴۱ سال من دارم و آخرین مدرک تحصیلی من دیپلم ادبی است. از پائیز ۱۳۵۲ تاکنون بعنوان هنرجو و یک تجربه کننده و طلبه تئاتر مشغول فعالیت هستم و همواره در امر هنر نمایش سعی کرده ام حضور داشته باشم و همواره تلاش دارم که بعنوان یک بازیگر متعهد تئاتری موقعیت خود را تثبیت کنم. در حال حاضر با سمت بازیگر در خدمت مرکز تولید تئاتر حرفه ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران می باشم.

توسط مدیر تولید پروژه که در آن زمان آقای جمشید گرگین بودند بنده به این گروه دعوت شدم و در مرحله دوم مورد آزمایش نویسنده و کارگردان

کار بازیگری - طراحی صحنه تئاتر و بکار نقاشی مشغول تا کنون چند نمایشنامه نیز کارگردانی کرده ام... علاوه بر بازیگری در صحنه تئاتر در فیلم سینمایی و سریال های متعدد نیز ایفای نقش داشته ام.

دعوتی شد از طرف جناب آقای بهروز غریب پور از هنرمندان اداره برنامه های نمایش من هم همراه با سایر هنرمندان تئاتر به سالن تئاتر مجموعه آزادی رقم پس از انجام تست های لازم از طرف کارگردان برای ایفای نقش «شان ماتیو» معتمد پیر و کاریچی در نمایش بینوایان یا بهتر بگویم پروژه تئاتر بینوایان انتخاب شدم.

همکاری من با گروه تئاتر بینوایان نزدیک به یکسال است که با بستن قرارداد ماهیانه ادامه دارد اما اینکه چه مدت تمرین مستمر داشتم حدوداً چهار ماه؛ لازم به تذکر است که تاکنون در مورد بازی در تئاتر این صورت مطلوب قرارداد تئاتر تاکنون با بنده در هیچ نمایش دیگری بسته نشده بود. دیگر از محسنات کار در این گروه نظم و انضباط اعم از چه خود استاد محترم جناب آقای غریب پور (کارگردانی بازیگری فن بیان و سایر مسائل تکنیکی فن هنری چه استفاده از استاد زبان فرانسه برای تدریس در گروه و همچنین بهره گیری از استاد سولفر و تئوری موسیقی انجام گرفت و این برایم بسیار مفید و ارزش مند بود.

شرح مفصل می خواهد اما بطور خلاصه عرض می کنم.

برخورد آقای غریب پور با من نمایش با (رمان بینوایان و ویکتور هوگو)

ب - برخورد آقای غریب پور با بازیگر و نحوه کارگردانی ایشان

پ - برخورد آقای غریب پور با طراحان صحنه و لباس - طراحی گریم - طراحی تور طراحی صدا و افکت های مختلف و سایر عوامل صحنه مانند جلوه های ویژه

ت - طراحی و دیگر تکنیکهای تئاتری طراحی با مسایل ساختمان تئاتر (سالن تئاتر شهید اوینی فرهنگسرای بهمن)

س - مسایل مربوط به مدیریت هنری نظم و انضباط کاری و سایر مسایل فنی و هنری ایشان.

جا دارد از طراحی صحنه آکسوار و لباس استاد ارجمند جناب آقای خورشیدی تشکر کنم زیرا دقیقاً با سبک و سیاق کارگردانی آقای بهروز غریب پور هماهنگ است از آقای محتشم طراح گریم؛ که به حق

زحمات زیادی کشیده‌اند تشکر کنیم. و همچنین از آقای کامکار هنرمند برجسته بخاطر موزیک متن و موسیقی صحنه‌ها تشکر کنم. و از سایر کسانی که بینوایان را یاری می‌نمایند تشکر کنیم.

موضوع دیگر: استفاده از میکروفون برای بازیگران که برای نخستین بار مورد استفاده قرار می‌دهیم و تاکنون در ایران انجام نگرفته است. و در مجموع کاردانی و مدیریت امور هنری آقای بهروز غریب پور کارگردان محترم بینوایان چه دارای کارگردانی - ایجاد یک محیط سالم گروه هنری توأم با نظم و انضباط محبت و صداقت قابل تحسین است.

به نظر بنده باید دید و منتظر آن شد که اجرای تئاتر بینوایان چه اثری در تئاتر کشور خواهد گذاشت.

آیا چرایی که آقای غریب پور روشن کرده‌اند که پیش‌کشوتان تئاتر کشور حضوری دوباره در صحنه تئاتر این زادگاه اصلی آنان دارد.

شاهد هنرنمایی این عزیزان در صحنه‌های تئاتر فراهم بود.

امیدوارم که چنین شود؛ و اجرای تئاتر مطلوبی از آنان بخصوص در صحنه تئاتر شهید آوینی فرهنگسرای بهمن باشیم.

فوق‌العاده اقدام مثبتی است که از طرف شهردار محترم و عوامل دست‌اندرکاران انجام شود.

فریبا سجادی حسینی



فریبا سجادی حسینی، متولد ۱۳۲۸ - بازیگری را از سال ۱۳۴۵ در اهواز شروع کردم، دوره آموزشی بازیگری را در کلاس آموزشی استاد دکتر طباطبایی در اهواز طی کردم چند نمایشنامه در اهواز کار کردم از جمله نمایشنامه «میراث». در تهران نیز در دو نمایشنامه در اعماق و سه خواهر به کارگردانی خانم مهین اسکویی نقشهایی را بعهده داشتم. در فیلم سینمایی «جنگ اطهر» نقش مادر اطهر را داشتم؛ در فیلم «تمام و سوسه‌های زمین» نقش یک روستایی بنام «صدف» را داشتیم در فیلم «پاتال» نقش «خاله» را داشتم در فیلم «تعقیب» نقش، مادر مجید و در سریال «پدر نقش همسر شازده» و اکنون در نمایشنامه بینوایان در خدمت گروه به کارگردانی آقای غریب پور هستم و در چند مرحله جزو مریب شهر هستم.

بوسیله یکی از اعضای گروه «مسر» معرفی شدم و پس از مراجعه توسط آقای غریب پور پذیرفته شدم.

جدی، قاطع و ضمناً دلپذیر

جز برخورد تماشاگر با این نمایش هرگونه اظهار نظری در این مورد غیر واقعی و یا جتی شاید غیر منطقی باشد.

ارزیابی یک چنین مهمی بعقیده من باید توسط کارشناسان شایسته‌ای صورت گیرد من خود را در این حد نمی‌بینم.

به نظر من تأسیس چنین مجموعه‌ای بخصوص در این نقطه از شهر بسیار شایسته تحسین بوده و برای بالا بردن سطح فرهنگی هنری عامه مردم ابتکاری بس شگفت است.

مهرگان فتیحی

توسط پدرم، نقش کوزت را بازی می‌کنم

خیلی خوب است.

می‌آیند می‌بینند و آموزش می‌بینند.

مرتضی طاهری



مرتضی طاهری هستم، دارای دیپلم ریاضی و یک مدرک زبان فرانسه. از سال ۱۳۵۱ کار تئاتر را بصورت آماتور شروع کردم و از سال ۱۳۵۴ بطور حرفه‌ای در زمینه بازیگری برای کودکان و نوجوانان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول بکار بودم و در زمینه کار عروسکی نیز فعالیت داشته‌ام.

بنده از طریق آقای بهروز غریب پور که با ایشان در مدتی که مسئولیت تئاتر کانون را داشتند و چند نمایش نیز با ایشان کار کرده‌ام به همکاری در نمایش بینوایان دعوت شدم.

اجرای هر نمایش خوبی در ارتقاء فرهنگ تئاتر و حماسه مردم تأثیرگذار خواهد بود و من امیدوارم بینوایان خروجی باشد از بینوایی تئاتر و مسئولین را متوجه بینوایی تئاتر کند. و همین مردم را متوجه دوری جستن از عامه بسندی کند.

برخورد کارگردان نمایش بینوایان با بازیگران گاهی بسیار تند است که من در این مورد چندان با ایشان موافق نیستم ولی نظم کاری ایشان را در صورت مشخص شدن وظایف بازیگران و دیگر دست‌اندرکاران نمایش می‌پسندم.

هنر مرز ندارد و تئاتر نیز مرز نمی‌شناسد. اگر مرزها را برداریم تئاتر شکوفا خواهد شد.

در اینکه فرهنگسرای بهمن مثل فرهنگسرای بهمن چه نقش مثبتی در جنوب شهر تهران بازی می‌کند جای شک نیست. اما از فرهنگسراها باید محل برخورد عقاید و نظرات مختلف و اندیشه‌های مختلف هنری باشد و باید به این اندیشه‌ها در چنین مکانهایی ابراز وجود داد.

ابراهیم ابراهیمی



ابراهیم ابراهیمی کارشناس تئاتر ۱۸ سال است که تئاتر کار می‌کنم که از آن میان باید به کارهایی چون: از پانسیفاده‌ها، دلقکها، هملت، جزیره، گفتگوی شبانه، ول (اجرا در پاکستان و برگزیده منتقدین کشور) پستخانه، بازی در چند فیلم و سریال تلویزیونی در زمینه نویسندگی؛ و دیگر پهلوانی نبود... پیمان، تدیس مرمرین، تئاتر آفتاب، تئاتر آزمایشگاهی.

توسط یکی از اساتید به کارگردان معرفی شدم و بازیگر نقش موسیو پیرون باغبان و چند نقش مختلف در صحنه‌های نمایش با کارگردانهای مختلف کار کردم کار با آقای غریب پور ویژگیهای خاص دارد که می‌توان به مهمترین آن یعنی نظم و فرصت‌خلاقیت به بازیگر در کار را اشاره کرد.

تأثیر این نمایش بستگی به ارائه آن به مخاطبین را دارد فکر می‌کنم بتواند در این روزگار بدون تئاتر حرکتی تازه و نقطه شروع دوباره‌ای برای این هنر باشد.

فعلاً تئاتر در بدترین وضعیت ممکن می‌باشد که واقعاً حرکتی و تلاشی جدید را می‌طلبد و از همه بدتر هنرمندان تئاتر هم چون تئاتر در انزوای کامل ایام را می‌گذرانند...

فکر کنم شمال و جنوب شهر مشکلاتی خاص خود را دارد. در شمال شهر هم به حرکت‌های فرهنگی شدیدی احتیاج است. فرهنگسرای بهمن یکی از پایکهای مهم فرهنگی نه تهران که ایران است حتی بسیاری از حرکت‌های کشوری و بین‌المللی در آنجا ارائه می‌شود. این فرهنگسرا در واکنش کردن نسل جوان و ساکنین تهران بویژه جنوب شهر نقشی اساسی را ایفا می‌کند. که این حرکتها حمایت بیش از پیش مسئولین را می‌طلبد.

پروانه طاهری

پروانه طاهری هستم سابقه‌ای ندارم و اولین کارم در تئاتر بینوایان است.



امیدوارم که این نمایش مفهوم تئاتر حرفه ای را دوباره به هنرمندان بفهماند و دوباره عاشقان تئاتر و صحنه به خانه دیرینه خود باز گردند.

■ حرکتی است بسیار مثبت در تغییر فرهنگ افراد نه تنها این منطقه بلکه تمام مناطق جنوب تهران و مکنی است برای اوقات فراغت کودکان نوجوانان و جوانان و تمامی مقاطع سنی.

حسین عباسی

مدیر مسئول تبلیغات نمایش

■ در برنامه ریزی تبلیغاتی برای اجرای نمایش بینوایان، تعدادی اتوبوس شرکت واحد در نظر گرفته شده است.

همینطور چند تابلوی بزرگ تبلیغاتی در سطح شهر، پوستر این نمایش هم توسط مؤسسه گرافیک ۸۰ طراحی شده و همینطور یک تیزر تبلیغاتی برای پخش از تلویزیون. در کنار این ها هماهنگی های لازم با مراکز مختلف و ارگانها و نهادها برای دیدن نمایش به عمل آمده است. در مجموع تبلیغات نمایش بینوایان در سطح شهر به گونه ای بوده است که پاهزینه بسیار کم راندمان بالایی داشته است.

کریم بهمنی

مدیر فنی فرهنگسرای بهمن

■ کریم بهمنی هستم و حدود ۲۸ سال سابقه کار فنی دارم. در حال حاضر مدیر فنی فرهنگسرای بهمن هستم و حدود ۶ سال است که در این فرهنگسرا مشغول به کار می باشم. کارنورپردازی و صدا در نمایش بینوایان به عهده اینجانب می باشد.

■ یکی از مهمترین ویژگی های اجرای نمایش بینوایان به وجود آمدن امکان بسیار خوب صحنه ای در مجموعه تالار آروینی است، امکانات پشت صحنه هم مثل اتاق کریم، اتاق تمرین، سرویس های مناسب برای بازیگران و آرشیر لباس در این مدت شکل گرفته است. اتاق فرمان نور و صدای تالار آروینی با جدیدترین امکانات فنی نور و صدا راه اندازی شده است که می تواند اجراهای سنگین و عظیمی را پاسخگو باشد.

صمد چینی فروشان

■ صمد چینی فروشان هستم، متولد ۱۳۲۰ لیسانس نمایش (ادبیات نمایشی)، حدود ۵ سال

اصلش نزدیکتر باشد موثرتر می باشد و اکنون که ما یکپارچه خود را از خانواده بینوایان احساس می کنیم، اگر اجرای این نمایش به انحاء مختلف ادامه پیدا کند پیام (ویکتورگر) را نه تنها در فرهنگ تئاتر کشور خودمان بلکه در جهان کوچک ما کره زمین عمقی تر خواهیم دید.

■ وضعیت کنونی تئاتر کشور، حتی مثل گذشته نیست یعنی در جا نرذیم جا ماندیم اصلاً تئاتر در جامعه ایران مطرح نیست که صحنه عرضه ی برایش تصور شود. انتظار ما اینست که تمام تجربیات گذشته پانژیروی جوان تلفیق گردد. این تلفیق را به نوجوانان و کودکان بیاموزیم تا مکتب تئاتر ایران تقویت و احیا شود.

■ من از تسهیلات این مجموعه استفاده نکردم اما این محل و محلهای مشابه این فرهنگسرا در مبارزه با فساد و جهل و بلا تکلیفی از نوجوانان نقش موثری دارد. و در اشاعه فرهنگ سالم تر بین چندی علمی بسیر موثر می باشد.

سیامک فرامرزیان



■ سیامک فرامرزیان، هجده سال دارم و محصل هستم. کار تئاتر حرفه ای را در سال ۱۳۶۶ با نمایش حارس آغاز کردم و با کمک پدرم کم کم به تلویزیون راه پیدا کردم. از سوابق هنری می توانم ایفای نقش در، آخر عاقبت، و اینک برهوت خانه ای بی دیوار و یک سریال تلویزیونی به نام مردان لطف رانم ببرم. در سینما نیز تجربه های کوتاهی دارم مانند فیلم راز چشمه، سرخ و بازی در سریال شیخ مفید و در حال حاضر نیز مشغول کسب تجربه در نمایش بزرگی به نام بینوایان هستم.

■ به و اسطه پدرم به این گروه معرفی و انتخاب شدم. و در بیشتر صحنه های گروهی فعالیت می کنم. و تقریباً به مدت یک سال است که با این گروه همکاری دارم.

■ نحوه برخورد کارگردان از دید من با تمام کارگردانهای دیگر فرق دارد. تا این لحظه واقعاً در حق خانواده نمایش بینوایان پدري کرده است.

■ مدتی است که تئاتر ایران از جنبه هنری خارج و به تئاتر بازاری تبدیل شده و همین امر دست اندرکارانی که واقعاً عاشق تئاتر بودند را فراری و به سوی سینما و تلویزیون سوق داده است، ولی من.

■ توسط یکی از دوستان پدرم یعنی آقای شیخ زاده معرفی شدم و در نقش اپونین کوچک بازی می کنم.

■ خیلی خوب است.

■ خیلی آموزنده است.

■ خیلی خوب است.

■ خیلی خوب است و فعالیت این گروه در مجموعه فرهنگسرای بهمن بی نظیر است.

محمد رضا اسماعیلی اسکندری

■ فعالیت و آموزش هنری خود را از سال ۱۳۴۸ از دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده هنرهای دراماتیک شروع کردم و تواما در تالار رودکی بعنوان بالرین در برنامه های اجرایی این تالار شرکت داشتم. و در گروه زمان بر سرپرستی سرکار خانم اسکویی بعنوان بازیگر پذیرفته شدم و از تعالیم ایشان نیز بهره مند شدم.

نوع فعالیت های هنری ام تا قبل از انقلاب بشرح زیر می باشد.

بازی در نمایش های ولپن، ضیافت، صیادان، گرگها و بره ها، ادیب شهریار، آنها زنده اند، شش شخصیت در جستجوی نویسنده، در اعماق اجتماع، ازدواج آقای می سی سی پی

بازی در سریال و فیلم های تمام و سوسه های زمین. پاتال و آرزوهای کوچک سریال آلبوم خانوادگی، معصوم پنجم. سریال میهمان مرو. دت یعنی دختر، شیخ مفید، تنهاترین سردار.

■ داوطلبانه بحضور کارگردان رسیدم و ایشان هم از بنده استقبال کردند.

■ نقش آنژولراس را بعنوان دراپلور عهده دار هستم و در ۱۱ صحنه با ایفای ۶ نقش متفاوت حضور دارم. و دقیقاً یکسال تمام با ایشان همکاری مستمر دارم.

■ نحوه برخورد کارگردان با آدمها کاملاً منطقی است و با هنرپیشه جدی تر و متفاوت با انسانهای دیگر.

متفاوت به این خاطر را برخورد ایشان قدری بیشتر از جدی بودن و مسؤول بودن است به نحوی که از مبتدی همان انتظار را دارد که از یک حرفه ای می خواهد. این روش باعث شد که یک صف واحد مسؤول و متعهد بوجود آمده که قبل از انتظار ایشان ما از خودمان بازخواست می کنیم. حضور کارگردان را در پشت صحنه احساس می کنیم. از نظر آزادی عمل نیز در معرض آزمایش و انتخاب کارگردان هستیم و در حد منطقی و معقول با نقشهایمان کنار میاییم. از نظر جذب هنرپیشه کاملاً متفاوت عمل شده بدینصورت که از پیش کسوت ترین تا مبتدی ترین افراد در این نمایش بکار گرفته شده و در مجموع ساختمانی بوجود آمده که همه به هم کره خورده ایم و تقریباً خانواده بینوایان را تشکیل داده ایم.

■ اکنون که در صحنه اصلی محل اجرا بینوایان هستیم بیشتر می توانیم در مورد تاثیر این نمایش اظهار نظر کنیم کلا خودمان و نمایش بینوایان هرچه به



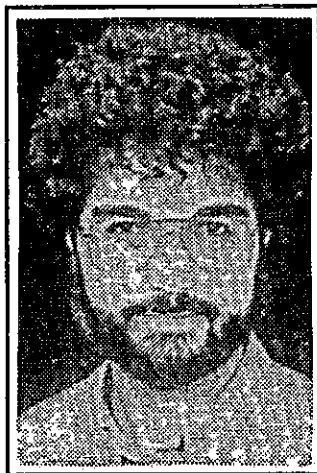
■ آقای غریب پور دارای روش خاص هستند، مدیری بسیار قاطع و مدبر، که همین روش و مدیریت قاطعانه ایشان بوده است که ما شاهد پروژه عظیم بینوایان هستیم.

■ من اجرای نمایش بینوایان را تحولی عظیم و شگرف در تئاتر کشور می دانم. امید آنکه این حرکت هنری ادامه یابد.

■ چه بگویم؟! که گفتنی ها پارها پارها گفته و تکرار شده است. تئاتر هنر مظلومی است که نیاز به حمایت دارد.

■ راه اندازی و ساخت مکانی این چنین یکی دیگر از برکات انقلاب است. جوانانی که در این فضای سالم فرهنگی، هنری مشغول آموختن هستند، آینده سازان این دیارند. در دبر کسانیکه در این راه زحمات بسیاری متحمل شدند.

ابراهیم امیرخانی



■ ابراهیم امیرخانی هستم، دانشجوی رشته تئاتر دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) و هم اکنون مشغول گذراندن پایان نامه می باشم. کار هنری را از سال ۶۵ پایبازی در نمایشهایی همچون، قصه طلسم حریر و ماهیکبر نوشته آقای علی حاتمی، برده برداری نوشته آقای فناثیان، ابراهیم توپچی و آقا بینک و چند نمایش دیگر که در تالار فخرالدین اسعد گرگانی شهرستان گرگان به اجرا درآمدند شروع کردم و پس از ورود به دانشکده در سال ۷۱ مشغول همکاری با گروه های تئاتر دانشجویی شدم و هم اکنون نیز در پروژه «بینوایان» به عنوان بازیگر مشغول به کار می باشم.

بر توجه شهرداری (همچون بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان) به امر تئاتر و شکل گروه های تئاتری متعدد حرفه ای و تحت پوشش گرفتن خیل عظیم بازیگران و تحصیل کردگان سرگردان هنر نمایش (نویسندگان، طراحان و...) در سرتاسر کشور، آنگاه به عنوان کشاینده راه در تاریخ نمایش کشورمان، نامی ماندگار و جاوید خواهد بود.

■ فکر تأسیس فرهنگسرای بهمن همچون سایر فرهنگسراها، در اصل بسیار مترقی، شریف و منطبق با دستاوردهای علمی جوامع مدرن است و می تواند نقش به سزایی در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه ایفا نماید، فرهنگسراها، دارای امکانات بالقوه عظیمی هستند که در صورت جذب نیروهای متخصص هنری (فارغ التحصیلان رشته های هنری مختلف) و هنرمندان، نه تنها در بخش هایی که مستقیماً با فعالیت های اجرای هنری سروکار دارند بلکه حتی به عنوان کارها و کارکنان اداری و تبدیل سیستم مدیریت فردی به سیستم مدیریت غیر متمرکز گروهی متشکل از هنرمندان و متخصصین رشته های گوناگون هنری، می تواند تأثیر فوق العاده ای بر کلیت فرهنگ کشور داشته باشد.

بهزاد طایفه

■ بهزاد طایفه هستم متولد ۱۳۵۰، لیسانس حقوق، همکاری با پروژه بینوایان اولین کارم می باشد در این کار من نقش فرعی دارم که با حضور در اکثر صحنه ها به روند کلی کار کمک می کنم، با وجود اینکه تا بحال با هیچ گروهی همکاری نداشتم و به جرأت می توان گفت از زیباییهای تئاتر محروم بودم آقای غریب پور برایم تئاتر را زیباتر تصویر کردند که در این تصویر نظم رنگ بخصوصی دارد و به آن جلوه ای دیگر بخشیده، که امیدوارم با این کار بتوان سدی محکم در برابر تئاتر رویه زوال ایران ساخت و امیدی تازه به آن بخشید.

فرهنگسرای بهمن با ابعادی وسیع توانسته با رشته های فرهنگی ورزشی خود بسیاری از جوانان را به خود مشغول کند و مهمتر اینکه این فرهنگسرا در جنوب شهر واقع شده که جمعیت جوان زیادی را در بر گرفته است.

فاطمه رضانی

■ فاطمه رضانی هستم و در حال حاضر دانشجوی سال سوم کارگردانی سینما هستم. از سال ۱۳۶۸ پس از گذراندن یک دوره آموزش بازیگری فعالیتیم را در این زمینه آغاز نمودم. از جمله کارهایی که در آنها حضور جدی داشتم؛ می توان به شقایق دره (علی آزادنی) پدر (رضا حسینی) کیسو کلابتون (رضا سعیدی) شنا در آتش (رضا صابری) و سایه ماه (انوشیروان) ارجمند اشاره کرد.

■ توسط یکی از دوستانم به معرفی شدم و مدت یکسال است که در خدمت گروه هستم. در این مدت افتخار آنرا دارم که در این نمایش عهده دار نقش مادموازل باب تیستین باشم.

در آمریکا تحصیل و کار کردم، البته ناتمام. پس از بازگشت به ایران، مدتی به کارهایی از قبیل فعالیت در زمینه پخش و نشر کتاب روی آوردم. سپس مجدداً وارد دانشگاه شدم و رشته نمایش را در مرحله کارشناسی به پایان رساندم. آغاز فعالیت هنری ام در فرهنگسرای بهمن بود، که به عنوان مربی تئاتر اولین گروه نمایشی را از جوانان منطقه سازمان دادم. این گروه چندین نمایش را برای کودکان در آنجا به صحنه برد. پس از قطع همکاری با فرهنگسرای بهمن، با بازی در نمایش حادثه در شهر عروسکها و چند مجموعه کوتاه تلویزیونی فعالیت نمایشی خودم را در عرضه کودکان ادامه دادم. آخرین کار تصویری من بازی در سریال دومین انفجار و مجموعه مشاهیر ایران بوده است. مدتی است به کار مطبوعاتی اشتغال دارم و بازی در نمایش بینوایان را از دیماه گذشته آغاز کرده ام.

■ برای ملاقات با آقای غریب پور به محل تمرین گروه بینوایان رفته بودم که به دعوت ایشان به گروه پیوستم.

چنین به نظر می رسد که به شیوه «امپرویزه» در بازیگری معتقد است. بازیگران در چارچوب دریافت های شخصی خود از متن و موقعیت ها، در ارائه بازی (نه ارائه نقش - شخصیت) آزاد هستند. هرگز هیچ یافته ای از سوی بازیگر توسط کارگردان تثبیت نمی شود. این امر تأخیری زیادی آزار دهنده است، چرا که انرژی بسیاری طلب می کند؛ اما از سوی دیگر همین امر به نوآوری دایمی در ارائه بازیها میدان می دهد؛ لذا هر روز تمرین، علیرغم تکرار، دنیای تازه ای از شور هیجان و تلاش خلاق بازیگری است. صحنه آرایی حجم، دکورهای سنگین، عدم تثبیت نقش ها و بازیها در کنار نظم خشک و غیر قابل انعطاف و... در مجموع شرایط دشواری است که بازیگری در نمایش بینوایان رابه امری خاص و تجربه ای نموده بدل می کند.

■ کشور ما به دلایل زیست محیطی، اجتماعی، سیاسی و... از فرهنگ نمایشی جوان، ناتوان و محجور مانده ای برخوردار است. به تأیید و تأکید بسیاری از اساتید و صاحب نظران هنر نمایش، راه نجات تئاتر و گسترش فرهنگ نمایش در هر جامعه ای، علاوه بر کاهش فشار و محضورات تحمیلی مبتنی بر دریافت های اشتباه آمیز مسئولین و دولتمردان و اصلاح رابطه دولت - تئاتر، تشکیل گروه های حرفه ای تئاتری است؛ گروه هایی که اعضای آن علاوه بر دریافت کمک های مالی و تبلیغاتی از دولت (شهرداری ها) از طریق تولید بی وقفه نمایش و تکیه بر گیشه (فروش بلیط) اوتزاق و به هستی خود ادامه دهند. این مهم نه با تشکیل یک گروه معین بلکه با شکل های گروه های نمایشی متعدد در سطح کشور امکان پذیر خواهد بود تا از طریق تشویق رقابت های هنری - تولیدی سالم و تلاش گروه ها به جذب هر چه بیشتر مخاطب، راه گسترش تئاتر در جامعه ارتقاء کیفی آثار نمایشی هموار گردد. بنابراین اجرای نمایش بینوایان به خودی خود نخواهد توانست معضل تئاتر کشور ما را مرتفع کند؛ اما اگر بینوایان مقدمه ای باشد

از طریق یکی از دوستان که در اداره تئاتر مشغول به کار هستند برای بازی به این گروه معرفی شدم و در نقش های ژاندارم، جبرکار و گاریچی کافه تئاتر بازی می کنم.

هرکارگردانی برای کار کردن شیوه ای را انتخاب می کند من کارگردانهایی را دیده ام که برای بازیگران خود تعیین تکلیف می کنند و حتی در مسائلی که مربوط به شخص بازیگر و تکنیک کاری او می شود، کارگردان دخالت کرده و مانع بروز خلاقیت او می شود. اما آقای غریب پور صحنه را برای هنرنمایی بازیگر خالی گذاشته تا بازیگر بتواند با خیال راحت هر احساسی که از کاراکتر (شخصیت) نمایشش پیدا کرده اجرا نماید و بعد از مدتی با کمک و همکاری کارگردان پس از رفع نمودن معایب کار به شخصیت نمایشی اش نزدیک می شود.

منه مابخوبی می دانیم که تئاتر با تماشاگرش زنده است یعنی ماما زمانی که تماشاگر در سالن نداشته باشیم نمی توانیم بگوییم که تئاتر خوب داریم، متأسفانه در کشور ما تئاتر تماشاگر خود را از دست داده و در لبه پرتگاهی قرار گرفته که با هر لغزشی به ته دره سقوط کرده و نیست و نابود می شود. گروه بینوایان باین عقیده و ایده کار خود را شروع کرد که با عرضه یک تئاتر خوب تماشاچی را به داخل سالن های تئاتر بکشاند و غباری که بر افکار عمومی نسبت به تئاتر نقش بسته پاک نماید و بر این عقیده نیز استواریم.

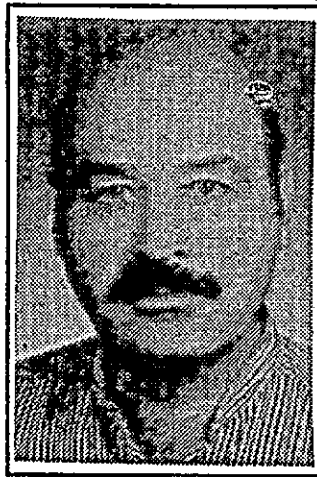
منی دانم آیا واقعاً آن چیزی را که در سالنها به اجرا می آید می شود به عنوان تئاتر تلقی کرد یا نه؟ بهرحال کشور ما از معنای تئاتر به کلی دور شده و تنها چیزی که بر ایمان باقی مانده لفظ تئاتر است و بس. تئاتر ما مریض است، تئاتر ما همچون درختی خشکیده است که هیچ ثمری برای صاحبش ندارد و فقط وجود دارد. تئاتر ما احتیاج به یک برنامه ریزی دقیق و منسجم دارد که آن هم بدون حمایت مسئولین امکان پذیر نیست.

فرهنگسرای بهمن درست در جایی احداث شده که سالیان سال به عنوان کشتارگاه از آن استفاده می شد یعنی دقیقاً نقطه مقابل و متضاد چیزی که الان مشاهده می شود.

فرهنگسرای بهمن با جمع کردن جوانهای جنوب تهران و ارائه خدمات فرهنگی و هنری به آنها از بروز بسیاری از مسائلی که شاید در نبود این مکان بوجود می آمد، جلوگیری کرد و با برگزاری برنامه های زیبای هنری روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است. ما نیز امیدواریم بتوانیم با اجرای نمایش «بینوایان» کامی هر چند کوچک در جهت اعتلای هنر برداریم.

محمد شیخ زاده

محمد شیخ زاده هستم متولد ۱۳۲۴، پاتوجه به حضور فرزندانم در کار سینما و تلویزیون از سال ۶۸ تا به امروز در کنار اینها قرار دارم و تجربه گرانبهائی در این زمینه کسب کردم و بینوایان به عنوان نخستین تجربه حضور در صحنه برای بنده می باشد.



برای بازی در بینوایان توسط کارگردان نمایشنامه انتخاب شدم و نقش دادیار و چند نقش دیگر را بازی می کنم و حدود یکسال است که با گروه بینوایان افتخار همکاری را دارم.

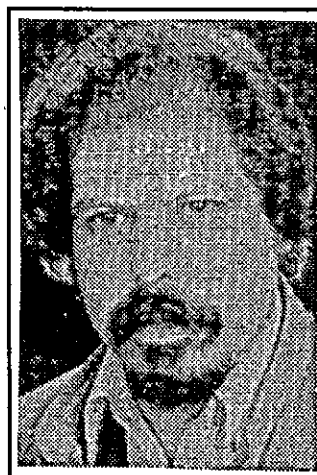
نحوه برخورد کارگردان بسیار عالی و به نفع گروه می باشد و روشی که ایشان برای کلیه نقشها در نظر گرفته بسیار مفید و مثبت بوده زیرا که تمام هنروران این نمایشنامه به راحتی می توانند در نقشهای حساس این نمایش قرار بگیرند و به راحتی بازی کنند. تمام اینها برمی گردد به کار آئی کارگردان که همه بازیگران را به یک چشم نگاه می کند.

من برای اولین بار است که در تئاتر کار می کنم و ممکن است که پاسخ دادن به این پرسش در صلاحیت اینجانب نباشد. ولی این را می دانم که با توجه به زحماتی که آقای غریب پور برای این نمایش کشیده و اثر انسانی و زیبایی و یکتا و موکد را با قلم شیوای خود نگاشته و هنرمندان عزیز این مملکت برای آن در حد توان زحمت کشیده اند امیدوارم تحول بزرگی در تئاتر کشورمان به وجود بیاید.

متأسفانه باید بگویم که زیاد فعال نیست.

یکی از یارزترین تحولاتی که در جنوب شهر به وجود آمده احداث فرهنگسرای بهمن است، که واقعاً خانواده های این قشر زحمتکش با احساس آرامش و امنیت فرزندان خود را به این محیط فرهنگی هدایت می کنند.

تورج فرامرزیان



تورج فرامرزیان هستم متولد ۱۳۲۹، اولین بار کلاس اول ابتدایی بودم که به صحنه رفتم بعد از آن

در دبیرستان فعالیت تئاتری داشتم و از سال ۱۳۴۶ در سعمی و بصری آن زمان که بعد از مدتی به فرهنگ و هنر تبدیل شد فعالیت نمودم. استادم در رشته تئاتر آقای دکتر حسنعلی طباطبایی بودند. دوران تحصیل و کار تئاترم در اهواز بوده و طی این سالها در نمایش های بسیار کار کرده ام تعدادی از آنها عبارتند از یعقوب لیت و عیاران، پهلوان اکبر می میرد، در منطقه جنگی - پیک نیک در میدان جنگ، زئوس و خدای جنگ، چوب بدستهای ورزیل، کور و افلیج، و... کارهای سینمایی ام در زمینه بازیگری عبارتند از: سکوت، پاتال و آرزوهای کوچک، راز چشمه سرخ، جدال بزرگ، روز واقعه، تراژیت، و کارهای تلویزیونی عبارتند از سریالهای امام علی، مردان طف، بهاران در بهار، سفر به جزایر، قبل از انقلاب هم مدتی با تلویزیون آبادان و رادیو اهواز کار کردم. اکنون هم در خدمت نمایش بینوایان هستم.

من توسط یکی از دوستان معرفی شدم. بعد از پذیرفته شدنم از اواسط آبانماه سال ۷۲ همکاری را شروع کردم. من تقریباً در ۱۱ صحنه نمایش هستم و از نقشهایی که بازی یکی ژیسکه رئیس پلیس فرانسه است و دیگر یکی هم از همدستان تئاتر دیه در بدام انداختن ژان والزان

هرکارگردانی طبعاً روش خاص خود را داراست، ایشان هم روش خاص خود را دارد. من اولین بار است که با ایشان کار می کنم ایشان بسیار تیز بین و حساس است و نسبت به متن و دیالوگهای دقیق عمل می کنند و با قدرت و توانایی در هدایت بازیگر موفق هستند.

بینوایان راهمگان به نوعی می شناسند و کار بسیار مشکلی است لذا من امیدوارم اجرای بینوایان حرکت نوینی برای تئاتر این مرز و بوم باشد.

متأسفانه تئاتر همیشه مورد بی مهری قرار گرفته. کسانی که در این زمینه کار می کنند واقعاً عاشق هستند چون تئاتر تأمین کننده نیست و بر این مبنا ما شاهد رکود تئاتر در کشورمان هستیم. باید تلاش کرد و با اجرای کارهای خوب مردم را با تئاتر آشتی دهیم.

من قبلاً این محل را دیده ام و هر روز که به فرهنگسرا می روم با دیدن این مجموعه باورم نمی شود که این همان کشتارگاه سابق است. من به نوبه خودم به شهرداری و دست اندرکاران تأسیس این گونه مراکز تبریک می گویم، بخصوص مسئولین فرهنگسرای بهمن که با این حرکت خدا می داند که چه خدمت بزرگی به جوانان این منطقه کرده اند. فرهنگسرای بهمن محلی است که جوانان و حتی خانواده ها از آن استفاده می کنند و با داشتن امکان زیاد از جمله سالن های نمایش فیلم و تئاتر و رزش موجب رشد فرهنگی این منطقه شده است. برای همگی عزیزان دست اندرکاران خداوند بزرگ آرزوی توفیق داریم.



محمد علی طاهر افشار

■ محمد علی طاهر افشار مستم، در سال ۱۳۲۹ در تئاتر سعدی در مواقع خاموشی چراغ زنبوری روشن و پرده را باز می‌کردم. بعد از یک فصل تئاتری درخواست دستمزد کردم آقای عبدالحسین نوشین گفت: «این کار نان ندارد برو شکمت را سیرکن بعد بیا» در سال ۱۳۳۲ پزشکیار ارتش شدم - در سال ۱۳۳۱: الفبای بازیگری را در هنرستان آزاد هنرهای دراماتیک فرا گرفتم و کارنامه‌ام بشرح زیر می‌باشد. در تئاترهای: قتل و عام در شهر - الموت - نهار لعنتی - ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی - ساحره سوزان کارهای تلویزیونی: بیست و دومین قتل - سید جمال الدین اسدآبادی - شهرداری - ماه پنهان - عطر گل یاس در فیلم‌های سینمایی: ترنج - بهار - کال بازی کردم. ■ شنیدم، معرفی شدم و انتخاب شدم. نقش چپرکار، را بازی می‌کنم

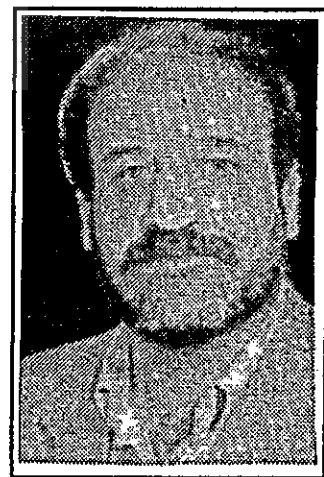
■ جشن و مهربان

■ تأثیر مثبت

■ مرده.

■ باعث رشد صحیح جسم و روان نوجوانان و جوانان سکنه اطراف می‌شود.

عبدالحمید پناهی



عبدالحمید پناهی، متولد ۱۳۲۶ سمنان مستم. از سن یازده سالگی به علت علاقه وافر که به تئاتر داشتم، وارد این هنر شدم. در شهرستان کار می‌کردم. اکثر کارهای دکتر سعیدی، اسماعیل خلیج، بهمن فرسی و یکی از کارهای پرشت را بسازی و

کارگردانی کردم. همچنین در نمایش که نوشته خودم بود را به نام قتل بامکس کش که یک کارکمدی انتقادی بود و دیگری هم که به نام همه باهم بر روی صحنه آوردم. کارهای خود را به شهرهای مختلف استان مازندران، مشهد، تبریز و اصفهان و شیراز نیز برده‌ام. از سال ۵۶ به دلایل گوناگون کار در تئاتر را کنار گذاشتم و از آن پس همیشه به عنوان یک نماشاگر به صحنه‌های نمایش نگاه می‌کردم.

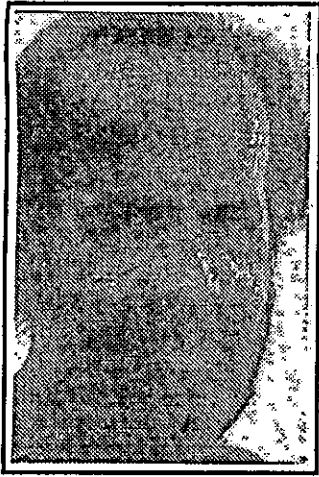
■ همانطور که عرض کردم علاقه وافر که به تئاتر داشتم و دارم و حتی بارها شده که به خاطر تئاتر اشک ریخته‌ام. خواهر پندیده در نمایش بینوایان نقشی را به صورت عمومی از طرف کارگردان گرفته بود و در صحبت‌هایی که باهم داشتیم تاحدودی با بینوایان آشنا شدم و از ایشان خواستم تا با کارگردان صحبت کنند و در صورت امکان منم بتوانم وارد این نمایش شوم، به دو دلیل، یک آشنائی با آقای غریب پور و شناخت ایشان و نحوه کار ایشان دوم، محک زدن خودم بعد از این همه سال جدائی از کار تئاتر. نقش عمومی را در این نمایش به عهده دارم یعنی در هر یک از صحنه‌هایی که حضور دارم برای خودم شخصیت خاصی را بازی می‌کنم. مثلاً در صحنه دادگاه تا چند روز قبل منم خودم را در ردیف بقیه قرار می‌دادم و با آنها هم‌کلام می‌شدم ولی فعلاً تصمیم گرفته‌ام شخصیتی جدا از بقیه گرفته و به عنوان فردی متفکر و نکته‌سنج و ژرف‌نگر به خود بپیچم تا نظر آقای غریب پور در این مورد چه باشد، چون تعیین شخصیت هر بازیگر به عهده کارگردان می‌باشد.

■ کارگردان نمایش دارای یک سری ویژگی‌های خاص خود است که ایشان را از دیگر کارگردانان متمایز می‌سازد. آقای غریب پور به نظر بنده هیچ‌گاه به زمان حال توجه خاص ندارند بلکه آینده برای ایشان دارای ارزش خاصی است و دور اندیشانه به این موضوع آینده چه برای خود و چه برای تئاتر و چه برای بازیگران نظاره دارند.

■ اولین تأثیر این اثر بر فرهنگ تئاتر کشور، ایجاد حرکت برای بقیه، جهت انجام کارهای بزرگ، خارج شدن از یک نواختی و سکون، حرکت به سوی تکنولوژی خاص، ایجاد فضایی خاص در ساختار متأثر در همه زمینه‌ها و بطور کلی فکر می‌کنم بعد از اجرا، تحولی در تئاتر بوجود می‌آورد که تا سالها سرمشق دیگران خواهد بود.

■ ارزیابی تئاتر یک ملتی به این سادگی نیست که بتوان در چند سطر آن را بیان نمود، بلکه دیدی عمیق و دوراندیشانه و هم‌چنین بی‌طرفانه نگاه کرد و نظر داد. ولی روی هم رفته تئاتر کشور ما مسیری را طی می‌کند که درخشان است و امیدوارم که بعد از اجرای بینوایان، این مسیر را سریعتر و مطمئن‌تر طی نماید.

■ فرهنگسرای بهمن و مجموعه فعالیت‌های آن در جنوب تهران همچون رویش درختی تنومند و پر شاخ و برگ در بیابانی خشک و بی‌آب و علف‌آست که دارد با سایه گسترده خود و فعالیت‌های متنوع و گوناگون آن ریشه می‌دواند. اکنون این بیابان برهوت به مکانی پرگل و گیاه تبدیل گشته و سرسبزی را به



ارمغان آورده است

سید جواد زیتونی

■ سید جواد زیتونی مستم. فعالیت‌های نمایشی را از سال ۲۸ در خرمشهر آغاز نمودم و سپس در سال ۶۰ در تهران آنرا ادامه دادم، سال ۶۸ که بصورت قراردادی بخدمت انجمن نمایش درآمدم. از جمله تلاش‌هایی می‌توان به کارهای زیر اشاره کرد:

زیتون، خورشید، دریا به کارگردانی رضا فیاضی، پرومته در زنجیر به کارگردانی مجید جعفری، مریم و مرداویج به کارگردانی بهزاد فراهانی، عروس به کارگردانی حسین احمدی نسب، هملت به کارگردانی قطب الدین صادقی، مرد فرزانة، ببردیوانه به کارگردانی قطب الدین صادقی.

■ توسط کارگردان نمایش به کار دعوت شدم و شروع کارم از آبان ۷۴ بانقش‌های پسر و چپرکار، گولمر و چند نقش دیگر... قابل اشاره است که در کارمان وقفه‌ای جهت ساختن و تهیه دکور، لباس، تست گریم بوجود آمد.

■ نحوه برخورد کارگردان با بازیگر بسیار خوب بود که می‌توان به شاخص‌ترین آن یعنی نظم و آزادی بازیگر جهت خلاصیت اشاره نمود.

■ بینوایان شاهکار ویکتور هوگو است و همه آنرا می‌شناسند. اجرای جدید صحنه‌ای آن بخاطر جاودانه بودن کار حتماً بر تئاتر کشور تأثیر مثبت خواهد گذاشت. امید است حرکت آقای غریب پور شروعی تازه بر نمایش این مژ و بوم باشد.

■ تئاتر این کشور منحصر به چند جشنواره شده و تئاتر به معنای حرفه‌ای دیده نمی‌شود. فقط در چند سال گذشته جرقه‌هایی زده شده ولی هنوز این هنر بصورت حرفه‌ای اش خود را نشان نداده است مگر حمایت مسئولین بتواند برای احیاء این هنر مادر بتواند رهگشا باشد.

■ اگر خرابه‌ای به آبادی تبدیل شود، فکر می‌کنید چه تأثیری بر افکار عمومی داشته باشد؟ مسلم است که وجود این فرهنگسرا در این منطقه مثبت بوده و جوانان این منطقه راحت‌تر پیش قدمی قرار داده و سعی بر آن است که این جوانان آینده‌ای خوب داشته باشند.